

عاشورا در کلام رهبر

بیانات مقام معظم رهبری درباره محرم و عزاداری (۱)

عاشورا ؛ روح انقلاب اسلامی ایران:

در مورد مساله محرم و عاشورا، باید بگویم که روح نهضت ما و جهتگیری کلی و پشتوانه پیروزی آن، همین توجه به حضرت ابی عبدالله(علیه الصلاتوالسلام) و مسایل مربوط به عاشورا بود. ۶۸/۵/۱۱

الهام امام خمینی از نهضت عاشورا:

در دو فصل، امام(ره) مساله نهضت را به مساله عاشورا گره زدند: یکی در فصل اول نهضت -یعنی روزهای محرم سال ۴۲- که تریبون بیان مسایل نهضت، حسینیه ها و مجالس روضه خوانی و هیئات سینه زنی و روضه خوانها و ذکر مصیبت گویندگان مذهبی شد و دیگری، فصل آخر نهضت -یعنی محرم سال ۵۷- بود که امام(ره) اعلام فرمودند: ماه محرم گرامی و بزرگ داشته بشود و مردم مجالس برپا کنند . ایشان، عنوان این ماه را ماه پیروزی خون بر شمشیر قرار دادند و مجددا همان طوفان عظیم عمومی و مردمی به وجود آمد، یعنی ماجرای نهضت که روح و جهت حسینی داشت، با ماجرای ذکر مصیبت حسینی و یاد امام حسین(ع) گره خورد. ۶۸/۵/۱۱

ما بیشتر از گذشتگان، قدر نهضت حسینی را می دانیم:

آنچه که نهضت ما را جهت می داد و امروز هم باید بدهد، دقیقا همان چیزی است که حسین بن علی(علیه السلام) در راه آن قیام کرد. ما امروز، برای شهدای خود که در جبهه های گوناگون و در راه این نظام و حفظ آن، به شهادت می رسند، با معرفت عزاداری می کنیم. آن شهید و جوانی که یا در جنگ تحمیلی و یا در برخورد با انواع و اقسام دشمنان و منافقان و کفار به شهادت رسیده، هیچ شبیه یی برای مردم ما وجود ندارد که این شهید، شهید راه همین نظام است و برای نگهداشتن و محکم کردن ستونهای همین نظام و انقلاب، به شهادت رسیده است.

اگر عاشورا نبود.. :

اگر در جامعه ما، عشق به امام حسین(ع) و یاد او و ذکر مصایب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می رسید.

قوی کردن نگاه عاطفی لازمه عزاداری:

امام(ره) با ظرافت، آن تصور غلط روشنفکرمانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ی بی‌زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان، جهتگیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهتگیری عاطفی در قضیه عاشورا پیوند و گره زدند و روضه خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زاید و تجملاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست، بلکه لازم است و یاد امام حسین و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار -چه به صورت روضه خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون- باید به شکل رایج و معمول و گریه آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دلها، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قویتر هم بشود. ایشان، بارها بر این مطلب تاکید می‌کردند و عملاً هم خودشان وارد می‌شدند.

اثر محسوس محرم در زندگی ما:

محرم دوران انقلاب، بامحرمهای قبل از انقلاب و دوران عمر ما و قبل از ما، متفاوت است. این محرمها، محرمهایی است که در آن، معنا و روح و جهتگیری، واضح و محسوس است. ما نتایج محرم را در زندگی خود می‌بینیم. حکومت و حاکمیت و اعلا کلمه اسلام و ایجاد امید به برکت اسلام در دل مستضعفان عالم، آثار محرم است.

عزاداری میدانی برای پیشرفت روحی:

پروردگارا ! این ماه محرم و ایام عزاداری را، برای ما میدان پیشرفتی در معارف و عمل اسلامی قرار بده. ۷۰/۴/۲۰

درس از محرم فقط به معنی کشته شدن نیست:

در ایام محرم و صفر، ملت عزیز ما، باید روح حماسه را، روح عاشورایی را، روح نترسیدن از دشمن را، روح توکل به خدا را، روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را، در خودشان تقویت کنند، و از امام حسین، علیه السلام، مدد بگیرند. مجالس عزاداری برای این است که دل‌های ما را با حسین بن علی، علیه السلام، و اهداف آن بزرگوار نزدیک و آشنا کند. یک عده ی کج فهم نگویند که امام حسین، علیه السلام، شکست خورد. یک عده ی کج فهم نگویند که راه امام حسین، علیه السلام، معنایش این است که همه ی ملت ایران کشته شوند. کدام انسان نادانی، چنین حرفی را ممکن است بزند، یک ملت از حسین بن علی، علیه السلام، باید درس بگیرد. یعنی از دشمن نترسد، به خود متکی باشد، به خدای خود توکل کند. ۷۱/۴/۱۰

نوحه خوانی و عروج معنوی مردم:

نوحه ی سینه زنی خواندن هم شرایط دارد. باید آن کسانی که اینها را تهیه می کنند، می سرایند، می خوانند، مواظب باشند که درست برطبق معارف اسلامی حرف بزنند، تا این سینه زنی، این روضه خوانی، این نوحه خوانی، قدمی باشد در راه عروج مردم به اوج قله ی افکار اسلامی. ۷۲/۳/۲۶

بهانه ای برای نوشیدن از چشمه عاشورا:

از همان روزی که موضوع ذکر مصیبت حسین بن علی، علیه السلام، مطرح شد، چشمه ی جوشانی از فیض و معنویت، در اذهان معتقدین و محبین اهل بیت، علیهم السلام، جاری گشت. این چشمه ی جوشان، تا امروز همچنان ادامه و جریان داشته است، بعد از این هم خواهد داشت، و بهانه ی آن هم، یادآوری خاطره ی عاشورا است. ۷۲/۳/۱۷

وسيله ای برای ارتباط روحی و قلبی با اهل بیت:

مسلمانا شرکت در مجالس مذکور، ثواب اخروی دارد، اما ثواب اخروی مجالس عزاء، از چه ناحیه و به چه جهت است، مسلمانا مربوط به جهتی است که اگر آن جهت نباشد، ثواب هم نیست. بعضی از مردم متوجه این نکته نیستند. همه باید در این مجالس شرکت کنند، قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنند، و روحا و قلبا، این مجالس را وسیله ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هرچه محکم تر میان خودشان و حسین بن علی، علیه السلام، خاندان پیغمبر، و روح اسلام و قرآن قرار دهند. این، از وظایفی که در این خصوص مربوط به مردم است.

سه ویژگی عزاداری حسین بن علی (ع):

مجالس عزاداری ماه محرم، این سه ویژگی، باید وجود داشته باشد: ۱، عاطفه را نسبت به حسین بن علی و خاندان پیغمبر، علیهم صلوات الله، بیشتر کند. (علقه و رابطه و پیوند عاطفی را باید مستحکم تر سازد.) چون رابطه ی عاطفی، یک رابطه ی بسیار ذی قیمت است. ۲، نسبت به حادثه ی عاشورا، باید دید روشن و واضحی به مستمع بدهد. ۳، نسبت به معارف دین، هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان - ولو به نحو کمی - کند.

عاشورا، حرکتی در دو جبهه :

...ماجرای عاشورا عبارت از یک حرکت عظیم مجاهدت آمیزی در دو جبهه است. هم در جبهه مبارزه با دشمن خارجی و بیرونی - که همان دستگاه خلافت فاسد و آن دنیاطلبانی بود که به این دستگاه قدرت چسبیده بودند و قدرتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای نجات انسان ها آورده بود استخدام و استثمار کرده بودند و عکس مسیری که اسلام و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم خواسته بودند و اراده کرده بودند حرکت می کردند - و هم در جبهه درونی که آن روز که جامعه به طور عموم به سمت همان فساد درونی حرکت کرده بود...

اثر محبت به امام حسین علیه السلام :

...اگر محبت در تشیع نبود این دشمنی های عجیبی که با شیعه شده باید او را از بین می برد. همین محبت شما مردم به حسین بن علی علیه السلام ضامن حیات و بقای اسلام است این که امام [خمینی رحمه الله] می فرمود: «عاشورا اسلام را نگه داشت» معنایش همین است...

عاشورا، محرک مسلمانان:

ماجرای حسین بن علی علیه السلام حقیقتاً موتور حرکت قرون اسلامی در جهت تفکرات صحیح اسلامی بوده است. هر آزادی خواه و هر مجاهد فی سبیل الله و هرکس که می خواسته است در میدان خطر وارد شود از آن ماجرا مایه گرفته و آن را پشتوانه روحی و معنوی خود قرار داده است. در انقلاب ما این معنی به صورت بیّنی واضح بود...

بی نظیر بودن واقعه عاشور :

از اوّل تا آخر حادثه عاشورا به یک معنی نصف روز بوده، به یک معنی دو شبانه روز بوده [است]... شما ببینید این نصف روز حادثه چه قدر در تاریخ ما برکت کرده و تا امروز هم زنده و الهام بخش است... در تاریخ تشیع، بلکه در تاریخ انقلاب های ضدظلم در اسلام - ولو از طرف غیر شیعیان - حادثه کربلا به صورت درخشان و نمایان اثربخش بوده... من هیچ حادثه ای را در تاریخ نمی شناسم که با فداکاری آن نصف روز قابل مقایسه باشد.

فلسفه قیام امام حسین علیه السلام :

در زیارتی از زیارت های امام حسین علیه السلام که در روز اربعین خوانده می شود جمله ای بسیار پر معنی وجود دارد و آن این است: «و بَدَلًا مَهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتْ فَيَدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ». فلسفه فداکاری حسین بن علی علیه السلام در این جمله گنجانده شده است. زائر [امام حسین علیه السلام] به خدای متعال عرض می کند که این بنده تو، این حسین تو، خون خود را نثار کرد تا مردم را از جهالت نجات بدهد و [از] «حَيْرَةُ الضَّلَالَةِ»؛ [هم چنین تلاش کرد] مردم را از سرگردانی و حیرتی که در گم راهی است نجات بدهد...

نتیجه تفکر در مسئله عاشورا :

هرچه درباره مسئله عاشورا و قیام حسینی بیشتر فکر کنیم باز هم این قضیه در ابعاد مختلف دارای کشش و گنجایش اندیشیدن و بیان کردن است. هرچه بیشتر درباره این قیام عظیم فکر کنیم، ممکن است حقایق تازه ای بیابیم...

اثر عزاداری های سنتی:

این عزاداری های سنتی مردم را به دین نزدیک می کند

معنویت امام حسین علیه السلام:

شخصیت درخشان و بزرگوار امام حسین علیه السلام دو وجهه دارد: یک وجهه، همان وجهه‌ی جهاد و شهادت و توفانی است که در تاریخ به راه انداخته و همچنان هم این توفان با همه‌ی برکاتی که دارد، برپا خواهد بود؛ که شما با آن آشنا هستید. یک بعد دیگر، بعد معنوی و عرفانی است که بخصوص در دعای عرفه به شکل عجیبی نمایان است. ما مثل دعای عرفه کمتر دعایی را داریم که سوز و گداز و نظم عجیب و توسّل به ذیل عنایت حضرت حق متعال بر فانی دیدن خود در مقابل ذات مقدّس ربوبی در آن باشد؛ دعای خیلی عجیبی است.

دعای دیگری مربوط به روز عرفه در صحیفه‌ی سجّادیه هست، که از فرزند این بزرگوار است. من یک وقت این دو دعا را با هم مقایسه می‌کردم؛ اوّل دعای امام حسین را می‌خواندم، بعد دعای صحیفه‌ی سجّادیه را. مکرّر به نظر من این طور رسیده است که دعای حضرت سجّاد، مثل شرح دعای عرفه است. آن، متن است؛ این، شرح است. آن، اصل است؛ این، فرع است. دعای عرفه، دعای عجیبی است. شما عین همین روحیه را در خطابی که حضرت در مجمع بزرگان زمان خود - بزرگان اسلام و بازماندگان تابعین و امثال اینها - در منی ایراد کردند، مشاهده می‌کنید. ظاهراً هم متعلّق به همان سال آخر یا سال دیگری است - من الان درست در ذهنم نیست - که آن هم در تاریخ و در کتب حدیث ثبت است.

به قضیه‌ی عاشورا و کربلا برمی‌گردیم. می‌بینیم این‌جا هم با این‌که میدان حماسه و جنگ است، اما از لحظه‌ی اوّل تا لحظه‌ی آخری که نقل شده است که حضرت صورت مبارکش را روی خاکهای گرم کربلا گذاشت و عرض کرد: «الهی رضاً بقضائک و تسلیماً لأمرک»، با ذکر و تضرع و یاد و توسّل همراه است. از وقت خروج از مکه که فرمود: «من کان فینا باذلاً مهجته موطناً علی لقاءالله نفسه فلیرحل معنا»، با دعا و توسّل و وعده‌ی لقای الهی و همان روحیه‌ی دعای عرفه شروع می‌شود، تا گودال قتلگاه و «رضاً بقضائک» لحظه‌ی آخر. یعنی خود ماجرای عاشورا هم یک ماجرای عرفانی است. جنگ است، کشتن و کشته شدن است، حماسه است - و حماسه‌های عاشورا، فصل فوق‌العاده درخشانی است - اما وقتی شما به بافت اصلی این حادثه‌ی حماسی نگاه می‌کنید، می‌بینید که عرفان هست، معنویت هست، تضرّع و روح دعای عرفه هست. پس، آن وجه دیگر شخصیت امام حسین علیه السلام هم باید به عظمت این وجه جهاد و شهادت و با همان اوج و عروج، مورد توجه قرار گیرد. ...

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار

سه صفت برجسته از ابعاد وجودی اباعبدالله علیه السلام:

برجستگی وجود اباعبدالله علیه السلام دارای ابعاد است که هر کدام از این ابعاد هم بحث و توضیح و تبیین فراوانی به دنبال دارد؛ ولی اگر دو، سه صفت برجسته را در میان همه‌ی این برجستگیها اسم بیاوریم، یکی از آنها «اخلاص» است؛ یعنی رعایت کردن وظیفه‌ی خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه‌های مادی در کار. صفت برجسته‌ی دیگر «اعتماد به خدا»ست. ظواهر حکم می‌کرد که این شعله در صحرای کربلا خاموش خواهد شد. چطور این را «فرزدق» شاعر می‌دید؛ اما امام حسین علیه السلام نمی‌دید؟! نصیحت کنندگانی که از کوفه می‌آمدند، می‌دیدند؛ اما حسین بن علی علیه السلام که عین الله بود، نمی‌دید و نمی‌فهمید؟! ظواهر همین بود؛ ولی اعتماد به خدا حکم می‌کرد که علی‌رغم این ظواهر، یقین کند که حرف حق و سخن درست او غالب خواهد شد. اصل قضیه هم این است که تبت و هدف انسان تحقق پیدا کند. اگر هدف تحقق پیدا کرد، برای انسان با اخلاص، شخص خود او که مهم نیست.

یکی از بزرگان اهل سلوک و معرفت را دیدم در نامه‌ای نوشته است که اگر فرض کنیم - به فرض محال - همه‌ی کارهایی که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم انجام داد و هدف او بود که آنها را انجام دهد، انجام می‌گرفت، منتها به نام یک کس دیگر، آیا در آن صورت پیامبر اسلام ناراضی بود؟ آیا می‌گفت که چون به نام دیگری است، نخواهم کرد؟ آیا این‌گونه بود؟ یا نه؛ هدف این است که آن کارها انجام گیرد؛ به نام چه کسی انجام گیرد، مهم نیست. پس، هدف مهم است. «شخص» و «من» و «خود» برای انسان با اخلاص اهمیتی ندارد. اخلاص را دارد، اعتماد به خدا را هم دارد. می‌داند که خدای متعال حتماً این هدف را غالب خواهد کرد؛ چون فرموده است: «و انّ جندنا لهم الغالبون» خیلی از این جنودی که غالبند، در میدان جهاد به خاک شهادت می‌افتند و از بین می‌روند؛ لیکن فرموده است: «و انّ جندنا لهم الغالبون»؛ در عین حال غلبه با آنهاست.

خصوصیت سوم، شناختن «موقع» است. امام حسین علیه السلام در فهم «موقع» اشتباه نکرد. در قبل از حادثه‌ی کربلا، ده سال امامت و مسؤولیت با او بود. آن حضرت در مدینه مشغول کارهای دیگری بود و کار کربلایی نمی‌کرد؛ اما به مجرد این‌که فرصت به او اجازه داد که آن کار مهم را انجام دهد، فرصت را شناخت و آن را چسبید؛ موقع را شناخت و آن را از دست نداد. این سه خصوصیت، تعیین کننده است. در تمام ادوار نیز همین‌طور است؛ در انقلاب نیز همین‌گونه بود. امام ما هم که می‌بینید این قدر خدای متعال او را به مقام رفیع رساند - و رفعا مکانا علیاً - و علی‌رغم همه‌ی عوامل در سرتاسر دنیای مادّیت و استکبار که می‌خواستند او را محو کنند، به فراموشی دهند و کوچک کنند، او را حفظ و بزرگ کرد و ماندگار و جاودان نمود، علت همین بود که این سه خصوصیت را داشت؛ اولاً با اخلاص بود و برای خود چیزی نمی‌خواست؛ ثانیاً به خدای خود اعتماد داشت و می‌دانست که کار و هدف، تحقق پیدا خواهد کرد - به بندگان خدا هم اعتماد داشت - ثالثاً زمان و «موقع» را از دست نداد. در لحظه‌ی لازم، اقدام لازم، صحبت لازم، اشاره‌ی لازم و حرکت لازم را کرد.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار

صبر امام حسین علیه السلام، نجات اسلام:

صبر امام حسین علیه الصلوة والسلام، اسلام را در طول تاریخ تا امروز بیمه کرده است. واقعاً اگر امام حسین علیه الصلوة والسلام آن صبر تاریخی را در کربلا و قُبیل کربلا و مقدماتِ حادثه‌ی عاشورا نمی‌کردند، بلاشک با گذشت یک قرن، حتی از نام اسلام هم اثری نمی‌ماند. اما امام حسین علیه الصلوة والسلام به برکت صبر، دین را زنده کردند؛ این صبر آسانی نبود. صبر فقط این نیست که انسان را زیر شکنجه بیندازند یا فرزندان انسان را جلو انسان شکنجه کنند یا بکشند و انسان ایستادگی کند - البته این مرحله‌ی مهمی از صبر است - اما از این مهمتر این است که انسان را با وسوسه‌ها و اظهاراتی که علی‌الظاهر ممکن است در نظر بعضی منطقی بیاید، از ادامه‌ی این راه باز بدارند؛ همان کاری که با امام حسین علیه الصلوة والسلام می‌کردند: آقا! شما کجا می‌روید؟ خود را در معرض خطر قرار می‌دهید؛ خانواده خود را در معرض خطر قرار می‌دهید؛ دشمن را جری می‌کنید؛ دست آنها را به خون خود باز می‌کنید. هر کس رسید، خواست امام حسین علیه الصلوة والسلام را در مقابل این محذور اخلاقی قرار دهد که شما با این اقدام خود، جان عده‌ای را به خطر می‌اندازید و دشمن را مسلط‌تر می‌کنید و اینها را وادار می‌کنید تا به خون شما دست بیالیند. این یک نقطه‌ی خیلی مهم و تردیدآور است. این یک جنگ روشن و واضح نیست که آدم بگوید من می‌روم تا کشته شوم؛ نه، این محاذیر دنبالش هست. ممکن بود برای امام حسین علیه الصلوة والسلام این معنا مطرح باشد یا مطرح کنند که آقا! شما اگر کشته شوید، شیعیان شما را در کوفه قتل عام می‌کنند و پدر همه را در می‌آورند؛ شما باید زنده بمانید و ملجأ باشید. شما پسر پیغمبرید؛ با حفظ حیات خود، جان عده‌ای را حفظ کنید. در مورد امام رضوان‌الله علیه عیناً همین معنا تکرار شد.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۰/۱۲/۲۳